

# مزخرفات فارسی

رضا شکرالهی



## فهرست

- مقدمه ..... ۹
- زنگ اول: شیرینی زبان ..... ۱۱
- گردن نازکِ زبان مادری ..... ۱۴
- هکسره حق مسلم ماست ..... ۱۶
- دستاوردهایی که با پا می آوریم ..... ۱۸
- در ستایش کردن ..... ۲۱
- منتظران متوقع ..... ۲۳
- مختلفِ گوناگونِ پرشمارِ متفاوت ..... ۲۶
- راجبه حیض انتفا! ..... ۲۹
- مزخرفاتِ لایتنَجَسَبَک ..... ۳۲
- لشکرِ گاف ..... ۳۵
- یدک کشیِ ورزشی و سیاسی ..... ۳۷
- کلنجار ..... ۳۹
- دستمالِ قیصریه در قیطره ..... ۴۲
- معلق بازی پیش غازی یا قاضی؟ ..... ۴۴
- سنگی برای واکندن، سنگی برای به سینه زدن ..... ۴۶

- نتایج همه کس کُش ..... ۱۰۹
- گفت وگو با طعم «واو» ..... ۱۱۲
- نوروز: از جشن تا عید ..... ۱۱۴
- لفت دادن در یک ثانیه ..... ۱۱۶
- پینگلیش؛ نوشتن به سبک دایناسورها ..... ۱۱۸
- این یکی شیر است که همسانی می شود ..... ۱۲۰
- خرکیف و عصر هیروگلیف مدرن ..... ۱۲۲
- دستم رو بگیر، نه دستم و نه دستم ..... ۱۲۵
- غلط کردی که خوب نوشتی ..... ۱۳۰
- یک فقره ویرایش سیاسی ..... ۱۳۲
- زنگ آخر: ویراستار یا ویراستار؟ ..... ۱۳۴

## زنگ اول: شیرینی زبان

درست است که از زبان فارسی حرف می‌زنیم و زبان فارسی فقط یک زبان از مجموعهٔ زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی است، اما همزیستی تاریخی اجزای این مجموعه و برآمدن زبان فارسی (فارسی دری) از آن میان، ما را با موجودی روبه‌رو کرده که زندگی و شیرینی آن مرهون بالندگی در همین خانوادهٔ بزرگِ زبانی است. به آدمی می‌ماند که توانمندی‌های خود را نه صرفاً ژنتیک که از محیط خود نیز کسب کرده است.

در کنار تأثیر متقابل زبان‌ها و گویش‌ها و لهجه‌های کردی و لری و بختیاری و شوشتری و گیلکی و ترکی و مازندرانی و طبری و تات و تاجیکی و ...، زبان عربی نیز در بالندگی زبان فارسی تأثیر بسیار داشته است. و البته، به قول زنده‌یاد سعید نفیسی، «استعانت از زبان بیگانه و آن هم زبان سامی در زبان‌های ایرانی، حکم تحمیلی و زورآورده‌ای نیست که تازیانهٔ اسلام آن را بر سر ایرانیان کوفته باشد، بلکه سند دیرین و شالودهٔ کهن‌سازی است که کوتاه‌ترین دورهٔ استقرار آن به هزار و پانصد سال و به اوج جهانگیری و شکوه و جلال ساسانیان به روزگار شهریارِ خسرو اول انوشیروان می‌رسد. منتها روزی بود که زبان پهلوی از زبان

«شیرینی» عنوان برمی‌گردیم که وقتی جشن داریم، شیرینی را با «ها» جمع می‌بندیم و می‌گوییم: «شیرینی‌ها را بیاور» و وقتی می‌خواهیم در نوشته‌ای از انواع شیرینی بنویسیم، واژه «شیرینی‌جات» را استفاده می‌کنیم. درباره «جات» دهخدا و معین گفته‌اند که عرب‌ها بعضی از کلمه‌های فارسی مختوم به «ه» غیرملفوظ را با «ات» جمع بسته‌اند و ایرانیان هم، در مقابل، کلمه‌هایی را هم که در آخر «ه» غیرملفوظ ندارند ولی به حروف مصوت «ا» یا «ی» ختم می‌شوند، با «جات» جمع بسته‌اند؛ مثل مرباجات و طلاجات. اما نکته این است که مردم، امروزه، «جات» را نه مثل (احتمالاً) گذشته به جای علامت جمع که برای مفهوم «گروه و دسته» به کار می‌برند، همان‌طور که خود شما در استفاده از شیرینی چنین می‌کنید. منظور شما از «شیرینی‌جات» انواع و اقسام شیرینی‌هاست نه مثلاً چند عدد شیرینی زبان. به همین قیاس است روزنامه‌جات، میوه‌جات و ترشی‌جات. به گفته یکی از مدرسان معاصر، این «ج» میانجی از صوت‌های «نرم‌خوانی» در زبان فارسی است که مردم آن را به‌درستی به «ات» می‌چسبانند و، به جای علامت جمع عربی، آن را در معنای «دسته و گروه» به کار می‌برند. و چه معیاری از زبان مردم راهگشاستر، که بهترین شاهد و شکر را برای شیرینی زبان فراهم می‌کنند!

آرامی استعانت می‌کرده، روزی رسید که زبان دری جای زبان پهلوی و زبان تازی جای زبان آرامی را گرفت و به همان سنت دیرین در زبان دری از زبان تازی استعانت کرد.»

زبان‌های دیگر نیز کمابیش چنین رابطه‌ای را با دیگر زبان‌ها برقرار کرده‌اند تا به صورت‌های امروزی رسیده‌اند. به‌خصوص همین زبان عربی که واکنش‌های افراطی و تعصب‌آمیز به آن، از هر دو سو، کم نبوده و نیست. همچنان که سعید نفیسی در ادامه همین مقاله، که در سال ۱۳۲۳ منتشر شده، چنین می‌نویسد: «نفوذ زبان فارسی در زبان تازی به‌مراتب بیش از آن است که تازیان یا محققان ایرانی، که در زبان تازی کار کرده‌اند، بدان پی برده‌اند و دامنه آن محدود به معدودی از کلمات نیست. همین قدر سر بسته می‌توان اشارت کرد که نه تنها زبان تازی در معانی حقیقی از فارسی عاریت گرفته است، بلکه در معانی مجازی نیز در موارد بسیار تابع زبان فارسی است و همین که دامنه تحقیق گشاده‌تر می‌شود، به جایی می‌رسیم که طرز جمله‌بندی و تعبیر و جای اجزای جمله را در زبان تازی، مأخوذ از فارسی و گاهی تقلید آشکار از زبان فارسی می‌بینیم.»

نترسید! در پاسداشت زبان فارسی ما همه با هم هستیم و، با این همه، قرار نیست نه این ور بغلتیم نه آن ور. فقط قرار است برخی شیرینی‌های زبان فارسی را با قاشق یک ویراستار بچشیم که سروکارش با زبان روزمره در رسانه‌های گروهی، داستان‌های ایرانی و به‌خصوص در انواع و اقسام شبکه‌های مجازی است. در این راه ممکن است از تیترو روزنامه‌ها سر در بیاوریم یا از سخنان دولتمردان یا جوک‌های روزمره در انواع پیام‌رسان‌های اینترنتی یا نوشته‌های ساده فیس‌بوکی یا تابلوها و پلاکاردها یا اشعار شاعران کهن و متون ادبی و تاریخی. خلاصه آن‌که غذایی نخواهد بود که برای چشیدن این شیرینی به آن انگشت نزنیم. و برای آن‌که دست‌خالی از سفره این کتاب بلند نشویم، به همان